

## دوستی مدنی و نوع مدینه نزد فارابی

مرتضی بحرانی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۰۴

### چکیده

دوستی مدنی از جمله مقولاتی است که در فلسفه سیاسی فارابی جایگاه خاصی دارد. پرسش پژوهش حاضر این است که چه رابطه‌ای میان دوستی مدنی و نوع مدینه در اندیشه فارابی وجود دارد؟ با توجه به این سؤال و با تحلیل محتوای فلسفی آثار فارابی، آشکار می‌شود که نزد او دوستی مدنی به‌مثابه امری است که اعضای جامعه را به هم تألیف می‌دهد. دوستی در مدینه، دوستی بر سر چیزی (امر محبوب) است؛ هرچند در مدینه فاضله، دوستی بر سر چیزی، دوستی افراد نسبت به یکدیگر را به دنبال دارد. دوستی مدنی، شکل مدینه را نیز مشخص می‌سازد. در واقع پیوند میان معرفت اعضای هر مدینه و نوع سعادت که به‌عنوان غایت زیست مدنی خود تعریف می‌کنند، خود را در چیزی می‌نمایاند که همان «امر محبوب» است؛ امر محبوبی که برای تحقق آن تعاون صورت می‌گیرد. مهم‌ترین دستاورد این پژوهش ارتباط ایجابی میان دوستی مدنی و شکل مدینه است؛ به‌گونه‌ای که اگر امر محبوب میان اعضای یک مدینه، امور و اعمال فاضله باشد، آن مدینه، مدینه فاضله خواهد بود و در صورتی که آن امر محبوب، اموری چون لذت، ثروت، قدرت، کرامت، و... باشد، انواع مدینه‌های جاهله (نداله، کرامه، تغلب و...) شکل خواهد گرفت. با توجه به امر محبوبی که به‌مثابه نهایت و غایت عمل سیاسی در نظر گرفته می‌شود، هر یک از مدینه‌های فاضله و غیرفاضله، پیامدهای خاصی را در خصوص نحوه تعامل افراد نیز ایجاب می‌کنند و منشأ دوستی، نوع دوستی و وضع انسان مدنی نیز متفاوت خواهد بود.

### واژه‌های کلیدی

دوستی مدنی، فارابی، مدینه فاضله، مدینه‌های غیرفاضله، امر محبوب، غایت.

#### مقدمه

با توجه به چینی‌شنی که فارابی به محتوای فلسفه خود داده است، فلسفه او از وضع فلسفی محض به فلسفه سیاسی ارتقا می‌یابد؛ در این نظام فلسفی، انسان صرفاً در قالب مفاهیم چون جوهر و عرض و ماهیت تعریف نمی‌شود، بلکه صورت مدنی به خود می‌گیرد. جنبه‌ای از مدنیت فلسفه فارابی، اهتمام وی به امر دوستی است. سنت بحث از دوستی مدنی به‌طور خاص به ارسطو بازمی‌گردد. برای ارسطو «دوستی یک فضیلت است» (ارسطو، ۱۳۸۶، صص ۲۹۹-۲۹۷). به گفته فخری فارابی در تقسیم محبت به طبیعی و ارادی نیز «به شیوه ارسطو» سخن می‌گوید (فخری، ۱۳۸۳، ص ۲۱۹). باین‌حال، فارابی در بحث از دوستی، خوانش خاص خود را دارد؛ به‌نحوی که اجزا آن بسیار متفاوت از مقوله دوستی نزد ارسطو است.

دوستی مدنی به‌مثابه تألیف‌دهنده اعضای مدینه، بر سر یک «امر» شکل می‌گیرد. ساختار درونی گزینش و چینش افراد انسانی در مدینه، که به سمت یک امر بیرونی تمایل دارد، موضوع محوری بحث از محبت است. امور بیرونی که محبت افراد نسبت به رئیس و نسبت به یکدیگر را ایجاد می‌کند، حسب شمارش فارابی، متنوع و البته محدود هستند. این امور متعدد که به غایات نیز تعبیر می‌شوند (شامل فضیلت، لذت، ثروت، قدرت و...) سامان و شکل انواع مدینه و نیز بایسته‌های روابط اعضای آن را تعیین می‌کند. بر این اساس، پرسشی که مطرح می‌شود دال بر اینکه چه رابطه‌ای میان انواع غایات انسانی (امور محبوب مدنی) و انواع مدینه‌های انسانی متصور است؟

برای یافتن پاسخ به این سؤال، با روش تحلیل فلسفی، ابتدا منظومه مقولات مدنی مورد بحث قرار می‌گیرند و سپس دوستی مدنی در انواع مدینه فاضله و غیرفاضله بررسی می‌شوند.<sup>۱</sup> حسب روند استكمال، اعضای مدینه امری محبوب را به‌عنوان کامل‌کننده خود، برمی‌گزینند. انتخاب هر امر محبوبی (لذت، ثروت، قدرت و...) به‌عنوان غایت مدنی، شکل مدینه را نیز تعیین می‌کند. مدینه، ضرورتاً حاصل گرایش و گروه انسان‌ها به یکی از امور محبوبی است که به‌عنوان غایت در نظر گرفته شده‌اند. با توجه به ضرورت ریاست برای شکل‌گیری مدینه، هم از جهت تعیین امر محبوب و هم از جهت تعقیب آن، رابطه دوستانه

میان رئیس و اعضای هر یک از مدینه‌ها (در سلسله‌مراتب اعضای مدینه) متفاوت خواهد بود. در مدینه فاضله رابطه دوستانه از نوع «استخدام (خدمت‌رسانی)» خواهد بود و در سایر مدینه‌ها، از نوع «بردگی یا عملگی (استعباد و استعمال)» خواهد بود. این موضوع، مبحث بعدی مقاله خواهد بود. مقاله با نوعی «انسان‌در-شهرشناسی» فلسفی، بر اساس روابط دوستانه، از نگاه فارابی خاتمه خواهد یافت.

### ۱. بنیاد نظری: تحلیل شبکه معنایی

علم مدنی فارابی حاوی مقولاتی است که شبکه واحدی را تشکیل می‌دهد و لذا بررسی هریک مستلزم تحلیل سایر واژگان و مناسبات بین آن‌ها می‌باشد. محبت مدنی نیز از این حکم استثنا نبوده و با مقولاتی چون غایت، سعادت، ریاست، مدینه، تعاون، قوای نفس، اراده، اختیار، فضایل و رذایل ارتباط تنگاتنگ دارد. امتزاج محبت و مدینه که دوست مدنی و مدینه دوستی را فراهم می‌آورد از تعامل مفهومی مقولات فوق به دست می‌آید.

مبنای منظومه فکری فارابی را یک اصل ساده شکل می‌دهد: انسان موجودی بالقوه کامل است و باید که بالفعل شود. او دارای قوایی است که فعالیت‌های نظری و عملی او را ممکن می‌سازند و به فعلیت رسیدن کمال را باعث می‌شوند. در این میان، انسان حسب محبت ناشی از قوه نزوعیه، اراده انجام کاری برایش حاصل می‌شود و در جهت تحقق آن اراده، به تعاون می‌پردازد و مدینه را شکل می‌دهد. روابط اعضای مدینه، به نحو سلسله‌مراتب است. با توجه به انواع قوای نفس، کشش قوای حاسه و متخیله به سوی امور محبوب است و کشش قوه ناطقه به فعل و ترک فعل است. در اینجا، فارابی معیارهایی را برمی‌شمارد که برخی شر و برخی خیر هستند و بسته به اینکه فعل و ترک فعل انسانی متوجه کدام یک باشد، او به سمت سعادت یا شقاوت (سعادات مظنونه) گام می‌نهد (فارابی، ۱۴۰۵، ص ۲۳).

سعادت، خیر غایی مطلوبی است که لذاته خیر است نه اینکه به خاطر غایت دیگری دنبال شود؛ و رای آن چیزی نیست که انسان به دنبال تحصیل آن باشد. این خیر غایی بر اساس امر مطلوب و محبوبی که در تعریف آن مندرج است، یا حقیقی است یا غیرحقیقی. در

سعادت حقیقی، افعال ارادی‌ای که در تحصیل سعادت نافع هستند، افعال جمیله هستند و هیئت و ملکاتی که از آنها این افعال صادر می‌شوند، فضایل هستند. جمع آن افعال جمیله و این فضایل، خیرات هستند که فی‌نفسه غایت نیستند بلکه از آن‌جهت که برای تحصیل سعادت نافع می‌باشند، خیر محسوب می‌شوند (الفارابی، ۱۹۹۱، ص ۱۰۵)؛ بنابراین، سعادت، در مقام غایت اجتماع آدمیان، ناشی از امر محبوب میان آنهاست که همان روی دیگر سکه انواع مدینه‌ها است. اگر اراده و اختیار انسان به اموری چون ضروریات، لذت، کرامت و قدرت معطوف باشد او مسیر کمال را به سمت سعادت مظنونه یا موهمه می‌پیماید (که همان شقاوت است) و اگر به امری غیر از این‌ها باشد (شناخت و عمل به فضایل) او به سمت سعادت حقیقی در حرکت است؛ سعادت قصوایی که امتدادی از این حیات تا حیات آخرت است. درحالی‌که سعادت یک غایت (مقصد) است، کمال یک جریان (راه) است و اعمال خیر، توشه‌ها و منازل آن هستند. نقیض این امور، سعادت غیرواقعی، نقصان (تنزل)، و شرور هستند که انسان را در همین حیات ادنی پابند می‌سازند. از همین‌جاست که هم ضرورت مدینه و هم انواع مدینه حاصل می‌شود. بنابراین: از یک سو، سعادت خیر علی‌الطلاق است و از سوی دیگر، هر آنچه که در رسیدن به سعادت و تحقق آن نافع باشد نیز خیر است (الفارابی، ۱۹۸۲، ص ۷۲). بر اساس این معیارها مدینه، صورت فاضله یا غیرفاضله به خود می‌گیرد. برداشت از سعادت نه‌تنها معرف انواع مدینه‌ها بلکه معرف انواع ریاسات نیز هست. لذا، از نظر وی ریاست دو گونه است: «نخست، ریاستی که به دنبال سعادت حقیقی است و مستظهر به قوانین کلی و تجربه است؛ و دوم آنکه به دنبال سعادت مظنونه است و این ریاست چیزی جز ریاست جاهلیه نیست که خود به انواع گوناگون منقسم می‌شود که هرکدام به خاطر غایتی که دنبال می‌کند نام خاص خود را دارد» (الفارابی، ۱۳۵۰/۱۹۳۱، صص ۶۶-۶۴). البته فارابی در جای‌جای آثار خود تأکید می‌کند که انسان در تعقل کردن سعادت واقعی، ضرورتاً نیازمند قوه ناطقه نظری است (از جمله، الفارابی، ۱۹۸۲، ص ۷۳) و همین ضرورت است که وجود فیلسوف در مدینه را ضروری می‌سازد.

با توجه به مباحثی که او در خصوص قوه نزوعیه نفس ناطقه بیان داشت، آشکار می‌شود که قصد کردن، شوق و محبت داشتن یا قصد نکردن و اکراه و بغض داشتن نیازمند یک موضوع است؛ امر مقصود و محبوب در مدینه، یک امر مشترک است و وقتی که امر محبوب مشترکی در میان چند نفر یا در میان اهل یک مدینه وجود داشته باشد، آنان به دلیل دوست داشتن آن امر، همدیگر را هم دوست می‌دارند. دوستی اهل مدینه برای امری که نزدشان غایت محسوب می‌شود و بر سر آن با یکدیگر به تعاون و همکاری مشغول‌اند، همان دوستی مدنی است. آن غایت‌ها، همان محبوبه‌های انسان‌ها در انواع مدینه‌ها هستند. اکنون این محبوبه‌ها و نقش آن‌ها در شکل‌گیری هر مدینه، به مثابه الگوهای دوستی مدنی و مدینه دوستی، به بحث گذاشته می‌شود.

## ۲. الگوهای دوستی و مدینه

### ۲-۱. محبوب حقیقی و الگوی مدینه فاضله

سعادت، خیر غایی انسانی است. این غایت یا حقیقی است یا غیرحقیقی؛ غایت حقیقی در مسیر خیرات مقدماتی (افعال جمیله و فضایل) محقق می‌شود (الفارابی، ۱۹۹۱، ص ۱۰۵)؛ اما معیار حقیقی بودن سعادت چیست؟ اگر قوه ناطقه نظری سعادت را درک کرد و سایر قوا به سمت این ادراک پیش رفت، سعادت حقیقی حاصل می‌آید؛ اما اگر قوه ناطقه سعادت را درک نکند و یا اینکه درک کند ولی به عمل برحسب آن ادراک رهنمون نشود بلکه چیزی دیگری محبوب و مطلوب نفس واقع شود و نسبت به آن شوق و اراده کند، یا اینکه قوای حاسه و متخیله، امر سعادت را درک کنند و سپس اراده معطوف به انجام عمل به آن تعلق گیرد، آنچه حاصل می‌شود، افعال غیرجمیله و رذایل و در نتیجه شقاوت (سعادت غیرحقیقی) است (الفارابی، ۱۹۹۱، صص ۱۰۶-۱۰۷). اهمیت بحث سعادت در اینجا ارتباط آن با دوستی، به واسطه امر محبوبی است که در تعریف سعادت و مدینه فاضله دخیل می‌باشد. این امور محبوب، در نظر فارابی از یک جهت می‌تواند «فضایل» باشند که دوستی، تعاون و اجتماع بر سر آن‌ها مدینه فاضله را به دست می‌دهد؛ بنابراین در وضع فضیلت،

اراده به دوست داشتن (محبت)، اعضای مدینه را به سوی خیراتی سوق می‌دهد که جاذب سعادت هستند. به دیگر سخن، شناختن سعادت و دوست داشتن آن توأمان هستند. فارابی تأکید داشت که تنها راه تحصیل خیر ارادی که به سعادت حقیقی منتهی می‌شد همان است که شناخت سعادت به واسطه عقل نظری با شوق به آن از طریق قوه نزوعیه توأمان باشند (الفارابی، ۱۹۸۲، ص ۸۴). دوست داشتن فضایی که سعادت حقیقی را در پی دارد، وجهی از دوستی مدنی است که طی آن، شناسندگان سعادت از طریق مطلوبیت سعادت، همدیگر را دوست دارند. در اینجا، اشخاص انسانی، علاوه بر دوست داشتن فضایل و خیر نهایی، به «عین شخصی» یکدیگر نیز محبت و دوستی می‌ورزند.

بر این اساس در مدینه فاضله محبت در یک سطح، معطوف به دوستی اعضای مدینه نسبت به یکدیگر بر اساس محبوبیت سعادت حقیقی است. در این مرحله، فرض بر این است که افراد مدینه فاضله به نحو انفرادی دوستدار فضائل هستند که سعادت حقیقی را برایشان به دنبال دارد و از آنجاکه این افراد در مدینه، این فضایل را تعقیب می‌کنند، دوستی آن‌ها نسبت به موضوعات محبوب، دوستی آن‌ها نسبت به یکدیگر را نیز در پی دارد؛ با این تفاوت که برخلاف مدینه‌های غیرفاضله (که در ادامه بحث خواهد شد) در اینجا، موضوعات محبوب، با اعضای مدینه اتحاد یافته‌اند؛ لذا دوستی افراد نسبت به یکدیگر دوستی عینی است. در سطحی دیگر، می‌توان وجه ائتلافی دوستی و شکل‌گیری مدینه فاضله را در رابطه میان اعضا و رئیس مشاهده کرد. فارابی با عطف توجه به وجوه ارادی خیر که لازمه تحصیل سعادت هستند، می‌نویسد: «از آنجاکه بلوغ سعادت به جذب خیرات ارادی و طبیعی و دفع و زوال شرور ارادی و طبیعی از مدینه‌ها و امت‌ها است، مدبر مدینه که همان ملک است، کارش این است که مدینه را به گونه‌ای تدبیر کند که اجزاء مدینه را به هم مرتبط سازد و بینشان تألیف ایجاد کند.» (الفارابی، ۱۹۸۲، ص ۸۴)؛ بنابراین مدینه فاضله از طریق شناسایی فضایل توسط رئیس و شناختن و دوست داشتن آن‌ها از سوی اعضای مدینه و تعاون برای تحقق آن‌ها، محقق می‌شود.

## ۲-۲. محبوب‌های غیر حقیقی و الگوی مدینه‌های غیر فاضله

### ۲-۲-۱. وجه اشتراک و افتراق

فارابی پس از بیان وضعیت شکل‌گیری مدینه فاضله و مقام دوستی مدنی در آن از طریق شرح دوستی و مؤلفه‌های ارادی و طبیعی خیر و شر، به مضادات مدینه فاضله می‌پردازد. ناهم‌گونه‌های مدینه فاضله که در آن‌ها مقوله دوستی همچنان در جریان است، عبارت‌اند از مدینه‌های جاهله، مدینه‌های فاسقه، و مدینه‌های ضاله. اشتراک این مدینه‌ها در تمسک به محبوه‌های غیر حقیقی است؛ اما نحوه وصول نظری و عملی به این محبوه‌ها متفاوت است: مدینه ضاله، متشکل از مردمانی است که خودشان هیچ محبویی را به‌مثابه غایت برای زندگی مشترک خود برنگزیده باشند، بلکه نااندیشیده بر آن‌ها تحمیل شده باشد. فسق، شرح‌حال اجتماعی از مردمان است که حتی اگر سعادت حقیقی را درک کرده باشند، در عمل به محبوه‌های غیر حقیقی گرایش و گروش دارند. مدینه‌های جاهله مدینه‌هایی هستند که غایات محبوب آن‌ها مستتب از قوه ناطقه نیست اما هرچه هست، به آن پای‌بند هستند. آن‌ها برای غایات زیر تعاون و اجتماع می‌کنند: ضروریات، ثروت، لذت، کرامت و قدرت. این امور وقتی محبوب حیوان ناطق واقع می‌شوند که قوای متخیله و حساسه به شناسایی سعادت پردازند و قوه ناطقه عملی تابع و منقاد آن‌ها شود. به گفته وی «در اینجا امور زیادی است که انسان ممکن است تخیل کند که آن‌ها غایت زندگی است و باید آن‌ها را مطمح‌نظر و عمل قرار دهد؛ این هنگامی روی می‌دهد که انسان در تکمیل بخش نظری نفس ناطقه، سست شده باشد و لذا این بخش نتواند سعادت درست را شناسایی کند اما به‌سوی آن گام می‌برد، و در زندگی خود چیزی دیگری را غایت قرار دهد و با نفس نزوعیه خود به آن اشتیاق ورزد و با جزء عملی قوه ناطقه اندیشه کند که چگونه و با کدام عمل به آن دست می‌یابد و در این راه قوای مخیله و حساسه نیز به کمک آن آیند. آنچه بدین نحو حاصل می‌آید، تماماً شر است» (الفارابی، ۱۹۸۲، ص ۷۴)؛ این تعریف از شر

متوجه ظهور انواع مدینه‌های جاهيله است. در ادامه به انواع مدینه‌های جاهيله، متناسب با موضوع محوری دوستی پرداخته می‌شود.

### ۲-۲-۲. امر محبوب در مدینه‌های جاهيله

#### الف. مدینه ضروریه و محبوبیت ضروریات

مدینه ضروریه اجتماعی است که اهل آن بسندگی به ضروریات را قصد خود از زندگی قرار داده‌اند (الفارابی، ۱۹۹۱، ص ۱۳۲)؛ یا برحسب تقریری که در کتاب السیاسه المدینه دارد، دوستی، آنان را به تعاون بر اکتساب چیزی که برای قوام بدن ضرورت دارد سوق می‌دهد. از این نظر در مدینه ضروریه امر دوست‌داشتنی و محبوب که تعاون افراد را باعث می‌شود ضروریاتی چون خوردن و نوشیدن است که افراد در صناعاتی چون کشاورزی، دامداری، صید و دزدی با یکدیگر تعاون دارند (الفارابی، ۱۹۸۲، ص ۸۸)؛ چون امر محبوب، مشترک میان همه اعضا و روسای آنان است، نه تنها اعضای مدینه دوستدار یکدیگرند بلکه میان اعضا و رئیس نیز رابطه دوستانه وجود دارد.

#### ب. مدینه نذاله و محبوبیت مادیات

مدینه نذاله (یا بداله) اجتماعی است که، قصد افرادش تعاون بر کسب مال و ثروت است (الفارابی، ۱۹۹۱، ص ۱۳۲)؛ افراد این اجتماع به دلیل دوست داشتن ثروت برای ثروت‌اندوزی با یکدیگر تعاون دارند. «چیزی جز محبت پول و ثروت و حرص بر کسب و اندوختن آن» انگیزه آن‌ها برای همکاری نمی‌باشد. اینان برای جمع ثروت به هر صنعتی و از جمله کشاورزی، دامداری، صید و حتی دزدی و نیز معاملاتی چون تجارت روی می‌آورند. باین‌حال، رابطه دوستانه میان اعضا و رئیس در اینجا نیز در جریان است (الفارابی، ۱۹۹۱، ص ۱۳۲).

#### ج. مدینه خست و محبوبیت لذات

مدینه خست، اجتماعی است که افرادش به خاطر دوست داشتن انواع لذت (لذت حسی یا خیالی) با یکدیگر همکاری دارند. افراد این مدینه که در پی دوستی امور لذت‌بخشی چون



منکوحات، مشروبات، مأكولات، بازی‌ها و سرگرمی‌ها هستند نزد اهل مدینه جاهله افرادی سعید و مغبوط می‌باشند؛ چراکه اینان توانسته‌اند پس از تحصیل ضروریات و ثروت به این امور نیز بپردازند. افضل و اسعد و اغبط این‌ها کسی است که بیشترین اسباب لذت را در اختیار داشته باشد و از آن بهره‌مند شود (الفارابی، ۱۹۸۲، ص ۸۹).<sup>۲</sup>

#### د. مدینه کرامیه و محبوبیت ستایش

مدینه کرامیه اجتماعی مدنی است که قصد افراد این مدینه، تعاون بر کسب کرامت و مدح است (الفارابی، ۱۹۹۱، ص ۱۳۲). اهل این مدینه به دلیل حب کرامت برای مورد اکرام واقع شدن بالقول و بالفعل با یکدیگر تعاون دارند. تعاون آن‌ها یا برای این است که خودشان نسبت به یکدیگر اکرام بورزند یا اهل مدینه‌های دیگر به آن‌ها اکرام بورزند. اکرام خودشان نسبت به یکدیگر نیز یا نتیجه تساعی و برابری آنان است یا حاصل تفاضل و برتری نسبت به یکدیگر است. نزد فارابی مدینه کرامیه شبیه مدینه فاضله است. چراکه اهل این مدینه در تعامل با رئیس خود برای کسب کرامت سلسله‌مراتب ریاست را رعایت می‌کنند. ضمن اینکه این مدینه بهترین مدینه جاهلیه می‌باشد؛ البته اگر کرامت دوستی به حد افراط برسد به مدینه جباران بدل می‌شود که در آن تغلب و سلطه امری مطلوب و محبوب است (الفارابی، ۱۹۸۲، صص ۹۴-۹۳).

#### ه. مدینه تغلبیه و محبوبیت سلطه

مدینه تغلبیه اجتماعی است که اشخاص انسانی برای مقصود غلبه نزد هم می‌آیند. فارابی در خصوص غلبه، به‌گونه‌ای طرح مسئله می‌کند که گویی سلطه‌طلبی نه‌تنها در مدینه تغلبیه بلکه در همه مدینه‌های جاهله امری مطلوب و محبوب است. «چراکه دارنده قدرت و غلبه مغبوط بیشتر افراد اهل جاهلیت است» فارابی تصریح می‌کند که اراده‌ای که اهل این مدینه را به تعاون می‌کشاند «دوست داشتن غلبه است. هرچند اهل این مدینه در این امر با یکدیگر متفاوت‌اند. برخی غلبه کم را دوست دارند و برخی غلبه زیاد را و نیز آن‌ها از لحاظ ابزارهایی که با آن‌ها غلبه حاصل می‌شود نیز متفاوت‌اند. به‌عنوان مثال برخی غلبه بر

خون انسان را دوست دارند و برخی غلبه بر مال انسان را دوست دارند و عده‌ای غلبه بر نفوس انسانی را دوست دارند تا بدین شیوه آن‌ها را برده خود سازند. همین تفاوت مراتب آن‌ها در مدینه و ریاست را نیز معین می‌کند» (الفارابی، ص ۱۳۲). سلطه‌دوستی نزد آنان چنان است که با یکدیگر تعاون می‌کنند تا سایر انسان‌ها و سایر مدینه‌ها را مغلوب خویش سازند؛ و تنها چیزی که باعث می‌شود آن‌ها در محبت سلطه‌اندکی با یکدیگر مدارا داشته باشند نیازی است که به یکدیگر دارند تا به محبوب خود یعنی غلبه دست پیدا کنند. رئیس این مدینه، به‌جز با اهل مدینه خود که به خاطر دوست داشتن غلبه با آن‌ها نسبت دوستی برقرار می‌کند با سایر انسان‌ها و مدینه‌ها دشمن است (الفارابی، ۱۹۸۲، ص ۱۳۳).

#### و. مدینه جماعیه و محبوبیت‌های متکثر

مدینه جماعیه مدینه‌ای است که در آن رها بودن برای اتخاذ محبوب، مقصود اهل آن است (الفارابی، ۱۹۹۱، ص ۹۸). هر یک از اعضای این مدینه آزاد و رها هستند تا هر غایتی (ثروت، لذت، کرامت...) را به‌عنوان سعادت خود انتخاب کنند و بر اساس آن عمل نمایند. اهل این مدینه با هم برابری و در سنت آن‌ها هیچ‌کس بر دیگری برتری ندارد. در این مدینه چون گروه‌های مشابه و متباینی وجود دارد اخلاق افراد آن نیز بسیار متفاوت است. در این مدینه با حفظ برابری افراد به دنبال غایاتی هستند که در سایر مدینه‌ها مطلوب و محبوب است و لذا ریاست نیز به‌حسب امور محبوب کثیر اتفاق می‌افتد. از آنجاکه نزد اعضای این مدینه، آزاد بودن جهت اتخاذ غایت‌های متکثر، امری محبوب و دوست‌داشتنی است کسانی که در میانشان آنان را به این نوع آزادی نائل می‌کنند افرادی قابل ستایش و مکرم هستند (الفارابی، ۱۹۸۲، ص ۹۹). این مدینه، از یک وجه، در چشم همگان، مدینه‌ای خوشبخت، اعجاب‌آور و غبطه‌آفرین است؛ زیرا هر انسانی طالب و خواستار اموری است که در این مدینه حاصل می‌شود، و از آنجاکه هر نوع انسانی در این مدینه یافت می‌شود چه‌بسا از توالد و تناسل اینان، افرادی پدید آیند که به دلیل تربیت و پرورش‌های گوناگون، مدینه‌های مختلفی را پدید آورند. از این‌رو هیچ بعید نیست که با گذشت زمان در این مدینه انسان‌های فاضل نیز

نشو و نمو یابند و پا بگیرند و حکما و خطبا و شعرایی پدید آیند؛ و چه بسا که اجزاء مدینه فاضله نیز از همین مدینه ظاهر شوند و البته این بهترین وضعیتی است که می توان برای این مدینه تصور کرد. به این دلیل این مدینه در میان مدینه های جاهلیه، مدینه ای است که بیشترین خیر و شر را توأمان در خود دارد (الفارابی، ۱۹۸۲، صص ۱۰۱-۱۰۰).

### ز. مدینه های غیر فاضله غیر جاهله و امر محبوب

فارابی بحث سایر مضادات مدینه فاضله، یعنی مدن غیر فاضله غیر جاهلیه را بسط نمی دهد. طبق حصر فارابی، مضادات مدینه فاضله، به جز مدن جاهلیه، عبارت اند از مدن فاسقه، مدن ضاله و مدینه متبدله که ناشی از قلب ماهیت همه اهل مدینه فاضله است. یکی از دلایل این ایجاز، اشاره وی به موازی بودن انواع این مدینه ها با انواع مدینه های جاهلیه است. در واقع او ویژگی های فسق و ضلالت را بر اساس برداشت اعضای هر مدینه از سعادت (بر اساس معیار امر محبوب) به دست می دهد و دیگر در خصوص جزئیات و تنوع آنان توضیحی نمی دهد بلکه همین اندازه بسنده می کند که اهل مدینه فاسقه سعادت حقیقی را به نحو تخیلی و یا حتی تصور عقلی می شناسند ولی آن غایت را مبنای عمل خود قرار نمی دهند بلکه به محبوب دیگری رو می آورند و اهل مدینه های ضاله حکایتشان چنان است که سعادت را نه تخیل و نه تصور کرده اند بلکه سعادت برایشان حکایت شده است (رک: الفارابی، ۱۹۸۲ و الفارابی، ۱۹۹۱).

در کنار این دوگانه فسق و ضلالت، اعضای بی ربط مدینه فاضله قرار دارند که از یک سو شامل «نوابت» می شود و حکم «علف هرز و خار در میان بوستان و گلستان را دارند» و از دیگر سو شامل «بهیمیونی و ددانی» می شود که بالطبع مدنی نیستند بلکه چونان حیوانات انسان نما در مدینه و یا چونان حیوانات وحشی در حاشیه مدینه زندگی می کنند» (الفارابی، ۱۹۹۱، ص ۸۷). برای اینان امر محبوب مشترکی وجود ندارد که بر سر آن به یکدیگر محبت ورزند و مدینه ای ایجاد کنند (الفارابی، ۱۹۸۲، ص ۱۰۷)؛ در اینجا نیز، هر چند به نحو سلبی، رابطه میان دوستی مدنی و شکل گیری مدینه خودنمایی می کند؛ از نظر فارابی، «بر رئیس

مدینه فاضله مدینه واجب است که تتبع احوال نوابت کند و آنان را بیابد و هر صنفی از آنان را معالجه خاص خود کند؛ حال یا آنان را از مدینه اخراج کند یا عقوبت کند یا حبس کند (الفارابی، ۱۹۹۱، صص ۸۷ و ۱۰۶). از این قول آخر شاید بتوان این استلزام را استخراج کرد که نوابت در مدینه فاضله چه بسا مخل امر دوستی باشند. به این دلیل که آنان با درافتادن در برداشت سعادت نزد اهل مدینه فاضله، امکان همکاری مبتنی بر دوستی را نفی کنند.

اما آیا اهل مدینه‌های فاسقه و ضاله هم نسبت دوستی با هم برقرار می‌کنند. فارابی در بررسی این افراد سخنی از تعاون و محبت به میان نمی‌آورد و نیز بیان نمی‌کند که اینان امر مظنون به سعادت را محبوب خود بدانند؛ اما به هر حال، فارابی تأکید می‌کند که اهل این اجتماعات دارای تصور یا تخیل یا حکایتی از سعادت هستند و اهل مدینه‌ها فاسقه و ضاله نیز به نحوی سعادت را تعقیب می‌کنند هرچند که این سعادت، سعادت واقعی نباشد و همچنان همین مقوله سعادت است که تمایزبخش آن‌ها از مدینه‌های فاضله و تمایزبخش نوابت در مدینه‌های فاضله از افراد فاضل است. برحسب تحلیلی که فارابی از سعادت به ما ارائه می‌دهد، اینان نیز امر محبوبی را غایت یا سعادت خود پنداشته‌اند که برای آن اراده و تعاون می‌کنند. هرچند، حکایتشان از سعادت، حقیقی نباشد یا اینکه تخیل و تصورشان از سعادت را غایت عمل خود قرار نمی‌دهند بلکه به محبوب دیگری رو می‌آورند؛ اما چون اهل مدینه‌های فاسقه نیز بر امری که نزد آنان سعادت محسوب می‌شود (به عدد آنچه در مدینه‌های جاهلیه وجود داشت) همکاری دارند، نشان از آن است که آن امر نزد آنان محبوب می‌باشد و در نتیجه به واسطه آن امر محبوب، یکدیگر را دوست دارند. فارابی تصریح دارد که «افعال و اخلاق مدن فاسقه، همان افعال و اخلاق مدن جاهلیه است؛ تفاوت در آرایه است که به آن اعتقاد دارند و از همین رو هیچ‌یک از اعضای آن مدینه‌ها به سعادت نمی‌رسند و برای اهل مدینه ضاله نیز وضع بدین منوال است که اعمال و اخلاقی دارند که سعادت غیرحقیقی را برایشان به ارمغان می‌آورد (الفارابی، ۱۹۸۲، صص ۱۰۴-۱۰۳).<sup>۳</sup>

### ۳. روابط استخدام - استعمال و امر محبوب

#### ۳-۱. نوع رابطه و نوع دوستی مدنی

در اینجا این پرسش مطرح است که در جایی که مدینه بر اساس سلسله مراتب استوار است و هر مرتبه‌ای مادون خود است، رابطه دوستی و تعامل محبت‌وار چگونه امکان‌پذیر است؟ در پاسخ باید توجه داشت که فارابی در هریک از مدینه‌های فاضله و غیرفاضله تعابیر متفاوتی را برای توصیف روابط سلسله‌مراتبی به کار می‌برد. سلسله‌مراتب روابط در مدینه فاضله، به نحو «استخدامی» است، درحالی‌که در مدینه‌های غیرفاضله، به نحو «استعمالی و استعبادی» است.

منظور از استخدام، استخدام خواجهگان توسط خدایگان و رعیت توسط ارباب نیست. استخدام، جزیی از کمال‌خواهی انسان، و ریشه در رعایت کردن مراتب وجود دارد که ضرورتاً در مراتب مدینه و بر اساس اتصاف انسان به علم و معرفت و انجام خیرات متقدم بر خیر نهایی، خود را می‌نمایاند. به گفته فارابی «هر فرد مدینه فاضله شایسته است که صنعت خاصی به او تفویض شود که خاص او باشد. چه در مرتبه خدمت و چه در مرتبه ریاست. صنعتی که او از آن تعدی نکند و فراتر از آن به مهنه‌ای مشغول نباشد و نیز کارهای زیادی بیش از صنعت واحد به کسی سپرده نشود. این امر سه دلیل دارد: یکی اینکه امکان ندارد که فردی از افراد انسانی صالح انجام همه کارها و صناعات باشد بلکه هر کسی شایسته کاری است؛ دوم اینکه هر انسانی که به صنعتی خاص مشغول است در کار خود حاذق خواهد شد؛ سوم اینکه هر عملی را وقتی است که اگر از وقت خود به تأخیر افتد، فوت می‌شود و چه‌بسا که دو عمل وقت واحد داشته باشند و مشغول شدن به یکی، موجب فوت دومی شود» (الفارابی، ۱۴۰۵، ص ۷۵).

رابطه استخدام در مدینه، درست همانند رابطه استخدام میان سایر مراتب وجود پیش از ایجاد مدینه است؛ بر اساس نقشی که عقل فعال و نیز قوای نفسانی در استکمال وجود و وجدان انسان دارند، همه مبادی وجود و همه اجناس موجودات در خلق انسان و مدینه و

تمایز اشخاص انسان و انواع مدینه نقش دارند. جدای از سبب اول، اسباب ثوانی از آن جهت که موجد اجسام سماوی هستند و عقل فعال که موجد قوه نطق در انسان است و نفس که موجد قوای سه‌گانه نزوعیه، حساسه و متخیله در انسان هستند و نبات و معدن و اسطقتسات که به واسطه، اجرام سماوی را در خلقت انسان یاری می‌دهند تا صورت و ماده انسانی شکل بگیرد، همه در خلقت انسان در مدینه و ایجاد مدینه توسط انسان نقش دارند و همه این‌ها در وضعیت سلسله‌مراتبی، متصدی ساخت و ایجاد هستند (الفارابی، ۱۹۹۱، صص ۷۶-۷۹).

فارابی بیان می‌کند که مردم به حسب تفاضل مراتب اجناس صنایع و علومی که برای آن‌ها فراهم است، متفاضل هستند و مراتب اهل مدینه در ریاسات و خدمت به حسب فطرت آن‌ها و به حسب آدابی که به آن مؤدب شده‌اند، نسبت به یکدیگر تفاضل دارند (الفارابی، ۱۹۸۲، صص ۷۷ و ۸۳). نزد وی هر مرتبه از مراتب مدینه، در میان خود رئیس و روسایی دارد. به نظر می‌رسد رئیس اول بیشتر یک نماد باشد. بر اساس پراکندگی ریاسات در مدینه، آن‌قدر رئیس در مدینه وجود دارد که رابطه استخدام یک رابطه ضروری است. رابطه استخدام، نه تنها نافی محبت و دوستی نمی‌تواند باشد بلکه «اجزای مدینه بر اساس این مراتب با یکدیگر ارتباط و ائتلاف پیدا می‌کنند، شبیه موجودات طبیعی و مراتب موجوداتی که از موجود اول شروع می‌شود و تا ماده اولی و اسطقتسات ادامه پیدا می‌کند. بر همین اساس، مدبر مدینه نیز شبیه سبب اول است که از او سایر موجودات وجود یافته‌اند. [تا اینکه] مراتب اشخاص در مدینه و نیز در عالم وجود به مرتبه‌ای می‌رسد که اصلاً ریاستی ندارند و صرفاً خادم هستند (الفارابی، ۱۹۸۲، ص ۸۴)؛ اما این نکته، به این معنی نیست که میان آن‌ها امر محبوب مشترک، و در نتیجه، دوستی وجود ندارد. بنابراین وجود رابطه استخدامی نافی قوه نزوعیه نفس (منشأ دوستی) و نیز نافی وجود برداشتی از سعادت (اشتراک بر سر امر محبوب و دوست‌داشتنی، و با توجه به فاصله بودن مدینه، اشتراک بر سر فضایی که موجب سعادت حقیقی است) در مدینه نیست. در جایی که در مدینه‌های غیرفاضله روابط

محبت‌آمیز وجود دارد (هرچند بر سر موضوعاتی که فارابی آن‌ها را مؤدی به سعادات موهومه می‌داند) طبیعی است که در مدینه فاضله نیز روابط دوستانه وجود داشته باشد.

در مدینه‌های غیرفاضله رابطه استعبادی و استعمالی حاکم است. این نوع رابطه بنا به نحوه خاص تدبیر مدینه از سوی رئیس است. اگرچه به تعبیر فارابی بیشتر روسای مدینه‌های جاهلیه، دارای تدبیر نیک و چاره‌اندیشی عالی (حسن التدبیر و جوده‌الاحتیال) هستند، اما این رؤسا چون ریاستشان بر اساس مراتب مدینه نیست، و نیز مقولات آزادی و مساوات در آن دخیل نیستند (و در نتیجه پیوند آنان نه بر اساس دوستی فضایل بلکه بر اساس دوستی امور زودگذر و موقت است) اهل مدینه را «به کار می‌گیرند» (یستمعلمهم). به‌عنوان مثال، فارابی در باب مدینه ضروریه، عبارت به کار گرفتن را در خصوص نحوه تدبیر رئیس استفاده کرده است و «رئیس مدینه نذاله را انسانی می‌داند که دارای تدبیر حسن است و آنان را به ثروت می‌رساند» (الفارابی، ۱۹۸۲، ص ۸۸). نیز «افضل مدینه خست کسی است که بیشترین اسباب لعب و لذت را فراهم کند» (الفارابی، ۱۹۸۲، ص ۸۹). در مورد مدینه کرامت نیز «رئیس کسی است که علاوه بر کرامت، شایستگی‌های جنبی دیگری داشته باشد... تا بتواند اسباب کرامت را فراهم کند» (الفارابی، ۱۹۸۲، صص ۹۲-۹۰). رئیس این مدینه‌ها، کسی است که بتواند با حسن تدبیر و اندیشه و احتیال، اهل مدینه را به کار گمارد به‌نحوی که بیشترین امر محبوب و مطلوب را برای آن‌ها فراهم آورد؛ البته رئیسی که حقیقتاً فاضل است در میان اینان مطرود و حتی مقتول است (الفارابی، ۱۹۸۲، ص ۱۰۱).

با تأمل بیشتر، آشکار می‌شود که در این موارد، مراتب استخدام به‌هم‌ریخته است و لذا رئیس، درعین حال که دیگران را به کار می‌گیرد، در وضع نهایی، خود خادم مرئوسان شده است. البته فارابی در مدینه کرامت، نوعی سلسله‌مراتب برحسب انواع شایستگی‌های ناشی از ثروت، لذت و لعب را نشان می‌کند که «از این حیث، مدینه کرامه، بسیار شبیه مدینه فاضله است» (الفارابی، ۱۹۸۲، ص ۹۳). در بادی امر جای تعجب است که نه‌تنها رابطه استخدامی میان فضلاء بلکه رابطه استعبادی میان غیرفاضلان هم مستلزم دوستی است؛ اما

اگر به منشأ دوستی که قوه نزوعیه نفس است توجه داشته باشیم، این امر دیگر تعجب برانگیز نیست. تنها چیزی که می ماند، تفاوت در کمیت و کیفیت دوستی است.

### ۳-۲. نوع رابطه و امکان دشمنی

همچنان که بررسی و تحلیل شد، همه مدینه‌ها دارای نیروی الفت‌بخش دوستی هستند؛ چه مدینه فاضله و چه مدینه‌های غیرفاضله بر اساس وجود همین نیروی الفت‌بخش، شکل خاص خود را باز می‌یابند. اکنون سؤال دیگری مطرح می‌شود، آیا این نیرو در میان همه افراد حاضر در مدینه، حضور دارد؟ اگر این‌گونه است، تخاصم و دشمنی از کجا ناشی می‌شود؟ به دیگر سخن، همان‌سان که دوستی شکل‌دهنده مدینه است، آیا دشمنی نیز در این امر نقش دارد؟ پاسخ اجمالی این است که نزد فارابی، چون غایت افرادی که یک مدینه خاص را شکل می‌دهند، واحد است، برای شکل‌گیری مدینه، دوستی میان همه اعضای ضروری است؛ اما در مرحله پس از شکل‌گیری شهر، ممکن است به دلیل برهم خوردن روابط سلسله‌مراتب و مخدوش شدن مقوله عدالت، این دوستی سست شود و دشمنی جای آن را بگیرد. شکل دیگری از بروز دشمنی به جای دوستی این است که اعضای جامعه، دیگر خواستار دوستدار غایتی نباشند که از آغاز آن را به‌عنوان غایت زیست مدنی خود تعریف کرده بودند. از همین روست که وظیفه رئیس مدینه بسیار سخت است. او در تلخیص النوامیس می‌گوید «افلاطون تبیین می‌کند که صاحب ناموس شایسته است که بیشترین توجهش (عنایه العظمی) به امر دوستی باشد تا به‌واسطه این امر مردم را جمع کند» (الفارابی، ۱۹۹۶، ص ۷۶). به‌عنوان مثال، به نظر می‌رسد در مدینه فاضله، در تعامل اهالی و رئیس مدینه با نوابت، نمی‌توان هیچ‌گونه محبتی را متصور دید؛ از یک سو به این دلیل که میان اعضاء و نیز میان رئیس مدینه فاضله با نوابت تعامل مثبتی وجود ندارد. یعنی امر مشترکی که محبوب آن‌ها باشد، مفقود است (یا مفقود شده است)، چون در داشتن برداشتی از سعادت (دیگر) اجماع و اشتراک نظر ندارند و (در نتیجه) از سوی دیگر، به این دلیل که برخوردی که با آن‌ها می‌شود از نوع «برخورد با بهایم» است (الفارابی، ۱۹۹۶، ص ۸۷).



فارابی در بررسی تغلب نزد افلاطون، می‌گوید «گاهی هست که اهل مدینه نیکان نیک‌سرشت (اختیاراً جیدی الطباع) نیستند در اینجا تغلب ضرورت می‌یابد و همانا تغلب وقتی مذموم است که صاحب ریاست خود متغلب به طبع باشد نه اینکه بنا به ضرورت و به خاطر اهل مدینه آن را به کار برد (الفارابی، ۱۹۹۶، ص ۵۸).

اما همین رابطه دشمنی (غضب) نیز برخاسته از قوه نزوعیه نفس، از یک سو و از سوی دیگر، تقویت شده به واسطه برداشتی از سعادت است که محصول تصور برهانی قوه ناطقه نفس می‌باشد (الفارابی، ۱۹۹۶، صص ۹۲-۹۰). از همین روست که فارابی در بررسی مضادات مدینه فاضله، تعامل آن‌ها با رئیس را از نوع استخدام نمی‌داند. بلکه به انواعی از روابط اشاره می‌کند که در واقع مضادات رابطه استخدام است. البته فارابی در مدینه کرامت، نوعی سلسله‌مراتب برحسب انواع شایستگی‌های ناشی از ثروت، لذت و لعب را نشان می‌کند که «از این حیث، مدینه کرامه، بسیار شبیه مدینه فاضله است» (الفارابی، ۱۹۹۶، ص ۹۳).

### جمع‌بندی

حسب تحلیل محتوای آثار فارابی، به‌ویژه در دو اثر آراء و سیاست، میان امر محبوبی که برای تحقق آن تعاون می‌شود و شکل مدینه‌ای که به دست می‌آید ربط وثیق وجود دارد. رابطه ایجابی میان امر محبوب (غایت مدنی) و شکل مدینه، تأثیری عمیق بر وضع انسانی نیز دارد. این توضیح مقدماتی لازم است که فارابی علم را مؤدی به عمل می‌داند و عمل را وابسته به علم؛ حال، چه عمل بر اساس همان عمل باشد (مانند عمل در مدینه فاضله بر مبنای علم تصویری یقینی و عمل در مدینه‌های جاهله بر مبنای علم غیریقینی، شامل دریافت‌های حسی، تخیلی و سفسطه‌ای) و چه عمل بر اساس محاکات (که نمونه آن نزد او مدینه‌های ضاله است) و چه عمل بر اساس اضداد هر علم باشد (که نتیجه‌اش مدینه فاسقه است). از این نظر، می‌توان انسان‌شناسی فارابی در نسبت آن با سعادت (و سپس، امر محبوب و تعاون برای تحصیل آن) را بدین نحو خلاصه کرد که انسان نزد وی چهار وضع (یا به دیگر سخن، چهار موضع) می‌تواند داشته باشد:

انسان یا نظر و عملش در باب سعادت (امر محبوب و تحقق آن)، هر دو بر اساس قوه نطق است؛ که چنین انسانی، انسان فاضلی و اجتماع آنان اجتماع فاضل است. یا در سر دیگر طیف، نظر و عمل برخی انسان‌ها برای پیگیری و تحصیل سعادت برخاسته از «حکایات» سعادت است. چنین انسان‌هایی، ضال و گمراه هستند که بی‌راهه را می‌پیمایند و اجتماع آنان، اجتماع ضاله است. در میانه این دو سر طیف، از یک سو، انسانی قرار دارد که نظر و عملش هر دو بر اساس قوای حاسه و متخیله نفس یا بر اساس سفسطه (فلسفه ناقص) است؛ او نسبت به سعادت راستین برآمده از استنباط عقلی، جاهل می‌باشد و بسته به این‌که قوای حاسه و متخیله چه امری را برای او غایت بنمایانند، انواع انسان‌های ضروری، خسیس، نذیل، کریم، غالب و خُرّ به دست می‌آید و اجتماع هر یک از اینان، انواع اجتماعات ضروریه، خساسه، نذاله، کرامت، غلبه و حریه خواهد بود. او «در باب مضادات مدینه فاضله»، با اشاره به اینکه در مدینه جاهلی غایاتی چون سلامت بدن، ثروت، تمتع ذات و کرامت و بی‌قیدی، سعادت محسوب می‌شوند، بیان می‌دارد که اهل هر مدینه‌ای متناسب با نام چیزی که «قصد» آن کرده‌اند، به آن نام نامیده می‌شوند. واپسین نوع انسان، انسانی است که نظر وی برخاسته از قوه نطق است، ولی عمل وی در تضاد با آن می‌باشد. این انسان، فاسق و اجتماع آنان، فاسقه می‌باشد. در همه این اجتماعات انسانی، امر محبت و تعاون حضور دارد و از همین جاست که آن‌ها قادر به تشکیل مدینه هستند؛ و الا فارابی تصریح دارد که انسان نابت، (که البته بر اساس رابطه علم و عمل به سعادت در دسته‌بندی فوق جای نمی‌گیرد) قادر به تشکیل اجتماع نیست.

#### یادداشت‌ها

۱. تحلیل محتوی، چنان‌که باردن می‌گوید هنر تفسیر و نقادی اطلاعات جهت استنتاج و استنباط و آشکارسازی آنچه که مخفی، پوشیده و غیرظاهر است، می‌باشد؛ چیزی که بالقوه به‌طور نانوشته و ناگفته در هر پیام وجود دارد (باردن، ۱۳۷۵، ص ۳).

۲. در خصوص اهل مدینه نذاله (یسار) و مدینه خست (لعب و هزل) نکته زیبایی را در خصوص دوستی بیان می‌کند. او می‌گوید چه‌بسا برای اهل این دو مدینه پیش آید که گمان برند آنان

«مغبوطون و سعدا و فائزون» هستند و آنان از اهالی سایر مدینه‌ها افضل هستند و در نتیجه دیگران را خوار بدانند. و گمان برند که اهالی سایر مدینه‌ها نه قدر و منزلتی دارند و نه محبتی دارند و نه کرامتی دارند. در تلخیص النوامیس، در بحث از نفس و بدن و اکرام این دو، از زبان افلاطون بیان می‌کند که «برای انسان محبوبی دوست‌داشتنی‌تر از نفسش (خودش) نیست. پس چون چنین است انسان را حمیتی قوی باید که او را توانا سازد تا نفس محبوبه خود را از شهوات لذیذ بازدارد (الفارابی، ۱۹۸۶، ص ۶۳؛ برای توضیح بیشتر در این خصوص، رک: خواجه‌نصیر، ۱۳۷۳).  
۳. البته اگر به آرای فارابی در خصوص دین و ملة توجه داشته باشیم که دین حکایت فلسفه است، بی‌وجه نمی‌نمایاند که در نظر وی، اهل مدینه ضاله سعادت را مدنظر دارند که از طریق ملة برای آنان حکایت شده است. آیا این به معنی عدم اعتبار سعادت محکی از سوی ملة است؟ در پایان کتاب السیاسة المدنیة، فوزی متر نجار به فقره‌ای اشاره می‌کند از نظر وی چون ناقص هست آن را ضمن کتاب بیان نکرده است و آن را در حاشیه (پایان کتاب) آورده است که «مدینه‌های ضاله همانا وقتی حادث می‌شوند که ملة مبتنی بر بعضی از آراء قدیمه فاسده باشد» (همان، ص ۱۰۸). از این فقره برمی‌آید که «حکایت سعادت» نزد اهل این مدن که فارابی در متن به آن اشاره کرده است، دلالت بر این دارد که برداشت سعادت نزد مدینه ضاله توسط ملة صورت می‌گیرد اما ملتی که آرای آن فاسد است.

### کتابنامه

- ابن باجه الندلسی (۱۳۹۸، ۱۹۷۸)، *تدبیر المتوحدا*، تحقیق و تقدیم الدكتور معن زیاده، بیروت، دار الفکر الاسلامیه، الاولى.
- ارسطو (۱۳۷۸)، *اخلاق نیکوماخوس*، ترجمه محمدحسن لطفی، چاپ اول، تهران: انتشارات طرح نو.
- ارسطو (۱۳۸۶)، *اخلاق نیکوماخوس*، ترجمه صلاح‌الدین سلجوقی، تهران: عرفان (محمدابراهیم شریعتی افغانستانی)، اول.
- افلاطون (۱۳۸۰)، *دوره آثار افلاطون*، محمدحسن لطفی، خوارزمی، سوم.
- باردن، لورنس (۱۳۷۵)، *تحلیل محتوا*، محمد یمنی دوزی سرخابی و ملیحه آشتیانی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- طوسی خواجه‌نصیرالدین (۱۳۷۳)، *اخلاق ناصری*، به تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، پنجم، تهران: خوارزمی.

- الفارابی، ابونصر (۱۳۴۹)، *فی اغراض مابعدالطبیعه*، عثمانی، مطبعه دائره المعارف حیدرآباد دکن.
- الفارابی، ابونصر (۱۹۳۱/۱۳۵۰)، *احصاء العلوم*، صححه و وقف علی طبعه و صدره بمقدمه مع التعليق علیه: عثمان محمد امین، القاهره: مطبعه السعاده.
- الفارابی، ابونصر (۱۴۰۵)، *فصول منتزعه*، حقه و قدم له و علق علیه فوزی متر نجار، بیروت: دار المشرق، ایران: المکتبه الزهرا.
- الفارابی، ابونصر (۱۹۸۶)، *تألیف النوامیس افلاطون*، در: *رسائل فلسفیه (حقیقهها و قدم لها*، عبدالرحمن بدوی)، دار الاندلس.
- الفارابی، ابونصر (۱۹۶۸)، *المله و نصوص اخرى*، حقیقهها و قدم لها و علق علیها: محسن مهدی، بیروت: دار المشرق.
- الفارابی، ابونصر (۱۹۸۲)، *السیاسه المدینه*، حقه و قدم له و علق علیه: فوزی متر نجار، بیروت: المطبعه الکاثولیکیه.
- الفارابی، ابونصر (۱۹۸۳)، *تحصیل السعاده*، حقه و قدم له و علق علیه: جعفر آل یاسین، بیروت: دار الاندلس للطباعه و النشر و التوزیع.
- الفارابی، ابونصر (۱۹۹۰)، *الحروف*، حقه و قدم له و علق علیه، محسن مهدی، بیروت: دار المشرق.
- الفارابی، ابونصر (۱۹۹۱)، *آراء اهل المدینه الفاضله*، قدم له و علق علیه، البیر نصری نادر، بیروت: دار المشرق.
- الفارابی، ابونصر (بی تا)، *الجمع بین رأی الحکیمین*، تحقیق: البیر نادر، بیروت: دار المشرق.
- فخری، ماجد (۱۳۸۳)، «فلسفه اخلاق فارابی و پیوند آن با اخلاق نیکوماخس»، ترجمه محمدحسین ساکت، در: محمد کریمی زنجانی اصل (به کوشش)، *درآمدی بر چالش آرمان و واقعیت در فلسفه سیاسی فارابی*، تهران: کویر.
- گالستون، میریام (۱۳۸۶)، *فضیلت و سیاست: فلسفه سیاسی فارابی*، حاتم قادری، اول، تهران: بقعه.